

اگر آزادی ما زیر سؤال برود، اگر غرور ملی ما درهم شکسته شود، اگر استقلال ما نابود گردد؛ زنده گی برای ما کوچکترین لذت و ارزشی ندارد.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۵۴ دوشنبه ۲۵ دلو/ بهمن ۱۳۹۵ ۱۶ جمادی الاول ۱۴۳۸ ۱۳ فبروری ۲۰۱۷



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.

f in t 1515 www.azizibank.af

به بهانه ۲۶ دلو بیست و هفتمین سال روز خروج شوروی از افغانستان

## دیدگاه شخصیت‌های معروف امریکایی در مورد نقش احمدشاه مسعود در جهاد افغانستان، مداخلات پاکستان و اشتباهات سی. آی. ای



امریکا به مسعود کمک نکرد  
مسعود به پاکستانی‌ها اجازه نمی‌داد

نیروهای احمدشاه مسعود بیشترین سربازان شوروی را کشتند.

"مسعود یک مرد فوق‌العاده بود. چیزی که می‌توانم بگویم این است که مسعود یگانه مرد افغان بود که به خاطر ایستادگی در برابر اشغال شوروی، زمینه‌های بسیار بزرگ دولتمرد شدن را در افغانستان داشت. اما او مورد علاقه پاکستان نبود؛ به خاطری که او پشتون نبود. این واضح است. بخشید!"

صفحه ۴

## میثاق شهروندی، پیمان خدمت به مردم است

درس‌نویشت قریه‌شان دخیل شوند و با این ترتیب روند انکشاف و رشد اقتصادی - اجتماعی را در روستاهای خویش تسریع نمایند.

تجربه‌ی بی‌که در برنامه‌ی همبستگی ملی حاصل شد، این اطمینان را به وجود آورد که مردم کشور ما می‌توانند در یک سیستم و میکانیزم منسجم، با تلاش و سعی خستگی‌ناپذیر، دست به دست هم داده و بیشتر از پیش، کشور خود را آباد نمایند. روی همین اصل، اکنون که برنامه‌ی همبستگی ملی پایان گرفته است؛ جای آن هرگز خالی نخواهد ماند. زیرا اکنون برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی صفحه‌ی دیگری از کار و پیکار سازنده برای رشد، انکشاف و اعتلای کشور می‌باشد. برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی منجبت یک تعهد مستحکم، آرمان بزرگ‌تر برای خدمت به مردم. در این برنامه، شهروندان روستایی و شهری کشور، به شکل متوازن از مزایای انکشاف و اقتضات زنده گی امروزی مستفید خواهند شد. با برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی، همه مردم ما دست به دست هم داده و در کنار دولت شان، یک حرکت مترقی و ارزشمند انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را در عمل تطبیق خواهند کرد. چیزیکه در برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی از همه مهم‌تر و برجسته تر است، همانا تعهدی است که مردم با دولت و دولت با مردم دارد. این تعهد یک هدف مقدس و درخشان دارد که عبارت از خدمت واقعی برای مردم افغانستان است. به همین لحاظ، برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی تنها به روستاهای متعلق نبوده بلکه با وسعت بیشتر، شهرها و روستاهای سراسر کشور را شامل خواهد شد.

در این برنامه کوشش خواهد شد تا علاوه بر تطبیق هزاران پروژه بنیادی و بزرگ عام المنفعه در شهرها و روستاهای کشور، به بهبود وضعیت مدنی مردمان کشور نیز توجه جدی صورت گیرد و همچنان برای کاهش سطح فقر و بیکاری نیز در سراسر کشور، تلاش لازم به عمل آید. با برنامه‌ی ملی میثاق



شهروندی، نقش و سهم عملی مردم در امر پیشرفت و انکشاف کشور، بیشتر از پیش برجسته خواهد شد زیرا، این مردم است که در چوکات کلسترهای (روستایی و شهری) اولویت‌های شانرا تعیین میکنند، در تصمیم‌گیری‌ها با صلاحیت و قاطعیت دخیل میشوند و کلاً پروژه‌های مورد نیاز قریه و شهر شان را خود در عمل پیاده میکنند.

کشور افغانستان، اکنون بیشتر از هر زمان دیگر به آبادانی و انکشاف نیاز دارد. ویرانی‌های جنگ چندین ساله، خشکسالی‌ها و آفات طبیعی که در پهلوی بسا مسایل دیگر دامگیر مردم ما بوده است، به نحوی از انجا، زیر بناهای اقتصادی و عمرانی ما را یا نابود کرده و یا هم به ورطه‌ی نابودی کشانیده است. از همین رو، عده‌ی زیادی از جوانان ما بخاطر بیکاری و اوضاع نا بسامان اقتصادی و اجتماعی شان، مجبور به ترک وطن شده و در کشورهای دیگر دنیا، آواره و بی سرنوشت شده اند. برای بیرون رفتن از این فاجعه بزرگ بشری، نیاز به یک حرکت شجاعانه و سازنده است تا بتواند ویرانی‌ها را دوباره عمار نماید، فقر و بیکاری را کاهش داده و برای زنده گی مرفه مردم، زمینه‌های اساسی را جستجو کند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخاطر رسیدن به این هدف، اینک برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی را اعلام نموده است تا با تطبیق آن، تغییر چشمگیری را در زنده گی مردمان شهرها و روستاهای ما به بار آید. برنامه‌ی ملی میثاق شهروندی یک خیزش ملی برای انکشاف و تعالی اقتصادی و اجتماعی افغانستان است که بخاطر خدمت بیشتر به مردم سراسر افغانستان، روی دست گرفته شده است. باید یادآور شد که دولت، قبل بر این نیز در سال (۲۰۰۳) برنامه‌ی همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات را اعلام کرده بود تا با یک مقیاس وسیع، موجبات رشد و انکشاف را در قریه‌ها و قصبیات (۳۴) ولایت افغانستان مهیا ساخته و به اینگونه رفاه و آسایش را برای مردم روستاییانی کشور به ارمغان آورد. برنامه‌ی مذکور که طی بیشتر از یک دهه، با سهم و عمل مستقیم مردم روستاهای تطبیق گردید، هزاران پروژه عام المنفعه عمرانی، اقتصادی و اجتماعی را در خدمت مردم قرار داد که در نتیجه آن، تغییر بزرگی در زنده گی مردم قریه‌های کشور، رونما گردید. مردم با تطبیق برنامه‌ی همبستگی ملی، به زنده گی در قریه‌های خویش امیدوار شدند و تعداد زیادی از مهاجرینی که بنا بر بیکاری و وضع ناگوار امنیتی، کشور را ترک گفته بودند، دوباره به وطن برگشتند. گذشته از آن، شوراهای انکشافی قریه‌ها که یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری برنامه‌ی همبستگی ملی در افغانستان بود، برای اولین بار، حکومت داری محلی را در یک سطح وسیع توسط مردم، تمثیل کرد. مردم روستاهای کشور (باترکیب زن و مرد) توانستند در شوراهای انکشافی شان، حضور خود را احساس کنند، به اراده‌ی خود انتخاب کنند، منجبت انسان‌های مستقل و تصمیم‌گیرنده،



احمد عمران



## خواب‌گزاری خانم نادری به سود انحصارگرایی

**اما معضل اصلی و کلان، جای دیگری است و آن این‌که قدرت سیاسی در نظام فعلی به صورت غیرعادلانه متمرکز و انحصاری است. آقای غنی خلاف گفته‌های خانم نادری، به این دلیل نتوانست به خواسته‌های مردم پاسخ دهد که بیش از حد خواهان حفظ قدرت در دستان خویش است. آقای غنی در کنار نهادهای موجود، ده‌ها نهاد دیگر را نیز به وجود آورده که شخصاً ریاست آن‌ها را به عهده گرفته، بدون آن‌که واقعاً بتواند به همه آن‌ها رسیده‌گی کند**

و رییس اجرایی، از آن وظایفی که در توافق‌نامه سیاسی برایش مشخص شده، برخوردار نیست و به همین دلیل، نزدیکان و متحدان انتخاباتی‌اش از او سرخورده و ناراحت اند و فکر می‌کنند که او نتوانسته حسی را که برایش در توافق‌نامه سیاسی در نظر گرفته شده، به دست آورد. اما معضل اصلی و کلان، جای دیگری است و آن این‌که قدرت سیاسی در نظام فعلی به صورت غیرعادلانه متمرکز و انحصاری است. آقای غنی خلاف گفته‌های خانم نادری، به این دلیل نتوانست به خواسته‌های مردم پاسخ دهد که بیش از حد خواهان حفظ قدرت در دستان خویش است. آقای غنی در کنار نهادهای موجود، ده‌ها نهاد دیگر را نیز به وجود آورده که شخصاً ریاست آن‌ها را به عهده گرفته، بدون آن‌که واقعاً بتواند به همه آن‌ها رسیده‌گی کند. مشکل فعلی افغانستان این نیست که اگر فردی تمام وقتش را صرف کار برای مردم کند، باز هم آن‌ها را راضی ساخته نمی‌تواند؛ بل مشکل بر سر این است که یک فرد بدون آن‌که امکانات و ظرفیت‌های خود را بسنجد، چنان با چنگ و دندان تمام ساختارها را به تصرف خود درآورده که هیچ کسی کاری از پیش برده نمی‌تواند. فلج شدن ماشین دولتی در افغانستان، دقیقاً به دلیل انحصار قدرت در ارگ ریاست جمهوری و شخص آقای غنی است. همین حالا چرا بحث تغییر نظام در افغانستان بالا گرفته است و یکی از نظام پارلمانی حمایت می‌کند و دیگری از نظام فدرال؟ پاسخ آن است که همه از نظام متمرکز ریاستی کنونی که هیچ دستاورد قابل لمس‌ی تا به امروز به‌جز افتراق و فزون‌خواهی نداشته، به ستوه آمده‌اند. خانم نادری مثل این است که خواب‌نما شده و این همه واقعیت‌های آشکار کشور و جامعه‌اش را نمی‌بیند و یا نمی‌خواهد که ببیند.

خنده هم گرفت و یا خیر؛ ولی سخنان او بیشتر از این‌که جدی بنماید، به یک شوخی بی‌مزه شباهت داشت. نخست این‌که قدرت بر اساس قانون اساسی افغانستان و نوع نظام ریاستی حاکم بر آن، چنان متمرکز و انحصاری است که حتا موقعیت و وظایف معاونان رییس جمهوری نیز گنگ و نامعلوم می‌نماید. بسیاری‌ها بر این امر خورده می‌گیرند که حضور معاونان رییس جمهوری بیشتر از آن که اجرایی باشد، سمبولیک و نمادین است و بر همین اساس، هر از گاهی میان رییس جمهوری و معاونانش مشکلاتی بر سر تقسیم وظایف و قدرت پیش می‌آید. رییس جمهوری افغانستان بر اساس قانون اساسی اگر خواسته باشد، برخی صلاحیت‌ها را به معاونان خود تفویض می‌کند و اگر نخواسته باشد، می‌تواند آن‌ها را بدون صلاحیت و وظیفه در چوکی‌های شان نگه دارد. یکی از مشکلات اصلی جنرال دوستم به عنوان معاون اول ریاست جمهوری با آقای غنی و تیمش، بر سر تقسیم قدرت بود. جنرال دوستم از زمانی که وارد صدارت شد، حس کرد که نقش او در دولت اصلاً چنان نیست و نبوده که او انتظارش را به عنوان معاون اول ریاست جمهوری داشته است. آقای غنی برای این که نشان دهد جنرال دوستم نیز در حکومت سهم و نقشی دارد، همیشه او را از کابل به دور نگه می‌داشت و تلاش می‌کرد که با دادن برخی وظایف جزئی در حد فرمانده پولیس یک ولایت، او را مصروف نگه دارد. معاون دوم رییس جمهوری نیز چندان نقش و سهمی در قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی ندارد. اما او به دلیل این‌که همین موقعیت موجود را هم در خواب نمی‌دید، به این‌که نامش به عنوان معاون دوم ریاست جمهوری در خبرها ذکر شود، راضی و خرسند است. حتا داکتر عبدالله به عنوان شریک قدرت

بررسی‌های چندین نهاد مدنی در افغانستان از کارکرد حکومت وحدت ملی، به صورت مایوس‌کننده حاکی از ناکامی‌های متواتر این حکومت در اجرای اصلی‌ترین و مهم‌ترین تعهدات آن به جامعه است. این نهادهای مدنی حداقل هژده تعهد حکومت وحدت ملی را ظرف دو سال و نیم گذشته بررسی کرده‌اند و یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که رهبران دولت در انجام وعده‌هایی که به مردم سپرده بودند، هیچ دستاورد قابل ملاحظه و چشم‌گیری را نصیب نشده‌اند. به گفته این نهادها، حکومت در تحقق وعده‌های خود در زمینه مشارکت زنان در ساختارهای سیاسی و مبارزه با خشونت علیه زنان به شدت ناکام بوده است. در همین حال، یافته‌های این نهادها نشان می‌دهد که اصلاحات انتخاباتی نیز در حد شعار باقی مانده و حتا گمان نمی‌رود که دولت موفق به برگزاری انتخابات شورای ملی و شوراهای ولسوالی‌ها در سال آینده شود. به گفته این نهادها، اصلاحات انتخاباتی تنها به معنای برطرف کردن افرادی در نهادهای انتخاباتی نیست که بعداً در موقوف‌های بلندتری نصب شوند. اما جالب توجه‌ترین بخش این نشست، زمانی بود که فرخنده زهرا نادری مشاور ارشد رییس جمهوری به دفاع از کارنامه شخص آقای غنی پرداخت. خانم نادری که معلوم می‌شود به تازه‌گی عرصه سیاست را تجربه می‌کند، چنان از شخص رییس جمهوری سخن می‌گفت مثل این‌که پس از آمدن ایشان به عرصه قدرت، افغانستان دیگر آن افغانستان پیشین نیست. خانم نادری در دفاع از کارنامه آقای غنی و نه از کل دولت وحدت ملی، گفت که "در افغانستان قدرت در اختیار یک شخص نیست، ولی اگر چنین هم باشد و یک نفر شب و روز کار کند، باز هم راضی کردن همه امکان ندارد". نمی‌دانم خانم نادری را پس از این سخنان

## سخن‌ماندگار

### ۲۶ دلو؛

### نقطه جوشان تاریخ افغانستان

گاهی اوقات، اتفاقات بزرگ و مثبت تاریخی در جهان، به سود کسانی غیر از صاحبان اصیل آن مصادره شده و یا کسانی بیرون از دایره این اتفاقات، ثمرات نیک آن را به تاراج برده‌اند. شاید افغانستان در این زمینه، کم‌بخت‌ترین سرزمین دنیا باشد که از رشادت و ایثار فرزندان‌ش، همه سود جسته‌اند الا مادر داغ‌دیده وطن. خروج ارتش سرخ شوروی سابق از افغانستان در ۲۶ دلو ۱۳۶۷، یکی از اتفاقات بزرگ جهانی است که اکثر ساکنان روی زمین، آرزوهای منجمد خویش را در شعاع آن جان دادند و دل به پیروزی‌ها و آزادی‌های بزرگ‌تر بستند. در این میانه اما مردم افغانستان همه لذت پیروزی قهرمانانه خویش را در فتنه‌ها و مصایب بعدی از دست دادند و بسیار زود در معرض امتحان‌ها و کارزارهای دشوارتر قرار گرفتند.

ارتش سرخ شوروی سابق که در سال ۱۳۵۸ با سلاخ و برگ نظامی فوق‌العاده و با نیت حضور دائمی به این کشور هجوم آورده بود، تنها به نیروی ایمان و رشادت مردم بی‌سلاح و بی‌پناه افغانستان مجبور به ترک این سرزمین و قبول شکست شد و این پیروزی بدون شک استثنایی‌ترین حادثه در حساس‌ترین برهه از تاریخ جهان بوده است. پس از این حادثه، اردوگاه شرق در سرانشیب سقوط قرار گرفت و در نهایت از هم پاشید و با پایان جنگ سرد، خیال غرب از خطر کمونیسم جهان‌خوار راحت شد.

این پیروزی در مقیاس وسیع جهانی اما در مرزهای سیاسی افغانستان به تیر کینه و حسادت بسیاری از کشورهای دور و نزدیک و به‌ویژه همسایه جنوبی ما آلوده شد. پاکستان که در دوران جهاد در برابر شوروی به پل ارتباطی میان غرب و جبهات جنگ تبدیل شده بود، به اندازه کافی توانست در میان صفوف اکثر تنظیم‌ها و گروه‌های جهادی نفوذ کند و آن‌ها را به نحوی در مسیر اهداف استیلاگرایی خود قرار دهد. یکی از عمده‌ترین هدف‌ها نیز، پُر کردن جای خالی شوروی پس از پیروزی جهاد و در نهایت، مصادره سیاسی و نظامی افغانستان بود. مسلماً در میان تمام گروه‌ها و شخصیت‌های جهادی، شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، یکی از بارزترین چهره‌ها بود که هرگز در مدار اهداف پاکستان و بازی‌های آی‌اس‌آی قرار نگرفت و شاید به‌واسطه مقاومت و آزاده‌گی همین چهره استثنایی بوده که هنوز ۲۶ دلو نقطه جوشان تاریخ معاصر ماست و هنوز پاکستان در تقلا سیطره بر این سرزمین و مردمانش می‌سوزد. به ضرس قاطع، بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین انگیزه جهاد، آزادی و استقلال بود و سایر ارزش‌های جهادی، همه در حول این انگیزه چرخیده‌اند. شهید مسعود از آغاز جهاد تا انتها همواره بر اعاده آزادی، استقلال و غرور ملی تأکید می‌کرد و هرگز رهایی از تجاوز و مداخله شوروی را به قیمت اسارت در دامن پاکستان نمی‌خواست. او آزادی را به معنای واسع کلمه و بدون هیچ چون‌وچرایی می‌خواست و از همین رو پس از حماسه ۲۶ دلو، همان احساسی که نسبت به شوروی داشت، نسبت به دست‌درازی‌های پاکستان نیز داشت و بر اساس آن به جهاد و مقاومت تا واپسین نفس‌ها ادامه داد.

ارزش‌های جهاد و مقاومت افغانستان اگرچه در کش‌وقوس‌های روزگار توسط برخی جهادگران و مقاومت‌چیان کم‌رنگ شد و مورد جفا و بی‌مهری قرار گرفت؛ اما این ارزش‌ها همچنان در کارنامه مسعود - همانند حماسه ۲۶ دلو در تاریخ افغانستان - زنده و درخشان‌اند. اگر امروز شوروی بی‌وجود ندارد، ولی هنوز هم کین‌خواهی و سلطه‌جویی ساری و جاری است. هنوز هم افغانستان در تیررس دشمنی‌های فراوان و سیطره‌جویی‌های پاکستان قرار دارد. هنوز هم پاکستان در هوای صوبه پنج‌م ساختن افغانستان نفس می‌کشد و هنوز هم بسیاری‌ها مزدور منافع این کشور و سایر بیگانه‌گان شده‌اند. با این اوصاف، هنوز ما در امتداد ۲۶ دلو قرار داریم و هنوز مسعود بر تارک قیام برای آزادی افغانستان می‌درخشد و راه او همچنان رهرو مسعودوار می‌طلبد!

# از پیروزی در برابر ارتش سرخ استفاده نتوانستیم

◆ ناحیه نوری |◆



مبارزه مردم افغانستان در برابر شوروی سابق درسی بود برای تمامی کشورهایی که خواب سلطنت و حاکمیت بر سایر کشورها را در سر می‌پروراندند. شماری از پژوهشگران و آگاهان سیاسی می‌گویند: شوروی با تمامی عظمت‌اش در افغانستان شکست خورد و این شکست نه تنها در افغانستان یک افق جدید را باز کرد که سبب تحولات داخلی گردد؛ بل بر اردوگاه سوسیالیسم که یک اردوگاه جهانی بود، شکاف عمیق ایجاد کرد.

سید اشراق حسینی پژوهشگر، شکست شوروی سابق در افغانستان را نشان‌گر خصوصیات آزادی خواهی و ضد استعماری افغانستانی‌ها دانسته تأکید دارد که مبارزات مردم افغانستان در برابر روس‌ها به جهانیان ثابت کرد که مردم افغانستان ضد استعمار اند. حسینی می‌گوید: مردم افغانستان ثابت کردند که نسبت به هر چیز دیگری به استقلال و آزادی خود ارزش قایل اند و مساله تمامیت ارضی افغانستان برای افغانستانی‌ها از ارزش والایی برخوردار است.

این پژوهشگر، مبارزه مردم افغانستان در برابر شوروی سابق را درسی می‌داند برای تمامی کشورهایی که آرزو سلطه بر سایر کشورهای دنیا را دارند و خواب سلطنت و حاکمیت بر سایر کشورها را در سر می‌پروراند. او می‌گوید: شوروی با تمامی عظمت‌اش در افغانستان شکست خورد و این شکست نه تنها در افغانستان یک افق جدیدی را باز کرد که سبب تحولات داخلی گردد؛ بل در اردوگاه سوسیالیسم که یک اردوگاه جهانی بود، شکاف عمیق ایجاد کرد.

حسینی تأکید کرد: شکست شوروی سابق در افغانستان جهان را وارد یک فاز جدید کرد و این فاز جدید نتیجه مقاومت مردم افغانستان بود که آغاز آن خروج ارتش سرخ از افغانستان و سپس از هم‌پاشی اتحادیه جماهیر شوروی سابق بود.

به گفته او: در مقاومت ضد روسی تمامی مردم افغانستان سهم داشتند، چون یک قیام ملی بود؛ ولی بعضی از احزاب بودند که در انسجام ملی و مبارزات مسلحانه موثر بودند؛ اما متأسفانه یک عده با استفاده

از نام جهاد سوء استفاده مادی و معنوی کردند و آرمان‌های جهاد و مقاومت را زیر سوال بردند.

باین حال، وحید مژده تحلیل‌گر مسایل سیاسی، تأثیرات جهاد مردم افغانستان بر سایر کشورها را بسیار مهم تلقی کرده می‌گوید: اکثریت کشورهایی که تحت تسلط روس‌ها بودند؛ آزادی شان را مدیون جهاد مردم افغانستان می‌دانند.

این تحلیل‌گر سیاسی می‌گوید: بآنکه پیروزی علیه روس‌ها برای ما پیروزی به ارمان نیاورد و متأسفانه ما درگیر جنگ داخلی شدیم؛ اما روس‌هایی را که ما شکست داده بودیم، با ما رفتار خوب داشتند و می‌گفتند که اگر جنگ مردم افغانستان نمی‌بود ما از شر کمونیزم نجات پیدا نکرده نمی‌توانستیم، درحقیقت ما به روس‌ها نیز خدمت بزرگی کردیم.

مژده همچنان گفت: حتا مردم کشورهای اوکراین، پولند، چکسلواکیا و ... می‌گفتند که جنگ و مبارزه شما سبب آزادی ما شد و ما این آزادی را مدیون شما

هستیم؛ اما برای خود نتوانستیم کاری انجام دهیم و درگیر جنگ داخلی شدیم.

به گفته مژده: پس از پیروزی مجاهدین معیار این بود که هر حزب که بیشترین اسیر روسی دارد، باید سهم بیشتری در قدرت داشته باشند؛ اما احزاب و گروه‌های سهم و امتیازی بیشتری گرفتند که روس‌ها در مناطق که این گروه‌ها حضور نداشتند، اصلاً نرفته بودند، چه رسد به اینکه اسیر روسی داشته باشند.

او تأکید کرد: رهبران این احزاب و گروه‌ها توانستند به ریاست‌جمهوری و رهبری‌های بزرگی دست پیدا کنند، طور مثال جبهه نجات ملی افغانستان به دلیل اختلافات که میان حزب اسلامی و جمعیت اسلامی وجود داشت، موفق شد سهم و امتیاز بیشتری کسب کند.

سیف‌الدین سیحون استاد دانشگاه کابل می‌گوید: شکست شوروی سابق نتوانست آن‌طور که انتظار می‌رفت به دلایل مختلف برای مردم افغانستان ارمان

خوبی داشت باشد. استاد سیحون، اختلافات احزاب جهادی و مداخله استخبارات کشورهای همسایه به ویژه پاکستان پس از پیروزی حکومت مجاهدین را دلایل اصلی جنگ داخلی در افغانستان عنوان کرد.

این استاد دانشگاه گفت: درگیری احزاب سیاسی سبب شده تا کشورهای همسایه و غربی‌ها در افغانستان دخالت کرده و تا اندازه که ما امروز شاهد یک انتخابات دروغین و به قدرت رسیدن مهره‌های غربی باشیم.

بیست‌وهشت سال پیش در ۲۶ دلو/ بهمن قشون سرخ شوروی سابق با پذیرش شکست در افغانستان این کشور را ترک کرد. از این رو ۲۶ دلو/ ۱۵ فروری در تاریخ افغانستان به‌عنوان سالروز شکست ارتش سرخ از افغانستان ثبت گردیده است و به پاس گرامیداشت از قهرمانی مجاهدین، این روز تعطیل رسمی است و تجلیل صورت می‌گیرد.

## وزارت داخله:

# پولیس وظیفه اصلی خود را فراموش کرده است

◆ هارون مجیدی |◆

مسولان در وزارت داخله می‌گویند که پولیس افغانستان از وظیفه اصلی و سنتی خود به‌دور مانده و افزایش تهدیدات امنیتی و حملات تهاجمی، پولیس را به میدان‌های نبرد کشانده است.

به گفته آنان، وظیفه اصلی پولیس تأمین امنیت، جلوگیری و مبارزه با جرایم و تطبیق قانون می‌باشد و از لحاظ آموزش و تجهیز برای جنگ آماده نیست. تاج‌محمد جاهد، وزیر امور داخله کشور که دیروز (یکشنبه، ۲۴ دلو) در نشست دو روزه «حقوق بشر و پولیس» صحبت می‌کرد، گفت: افغانستان با جنگ نابرابر و اعلام نشده مواجه است که این وضعیت، پولیس را از وظیفه سنتی و اصلی‌اش دور ساخته و درگیر جنگ کرده است.

آقای جاهد گفت که پولیس ملی افغانستان می‌کوشد تا برای جلوگیری از خشونت و تأمین عدالت وظایف خود را انجام دهد.

وزیر داخله در ادامه سخنانش گفت که پولیس افغانستان در میدانهای نبرد همکار بخش‌های دیگر دفاعی است و برای تأمین عدالت اجتماعی با نهادهای عدلی و قضایی نیز همکاری می‌کند.

آقای جاهد با پذیرفتن خلاها در صفوف پولیس تعهد سپرد که آنان با گذشت زمان مسلکی خواهند شد.

در این حال، سیما سمر رییس کمیسیون حقوق بشر افغانستان می‌گوید که خشونت در برابر زنان افزایش یافته و میزان خشونت و شکنجه در کشور باید توسط پولیس کاهش یابد.

بانو سمر در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از پولیس گفت که شماری از مسولان در پولیس ملی، در بسا موارد از صلاحیت‌های خود سوءاستفاده می‌کنند.

بانو سمر از مسولان پولیس خواست تا با شهروندان برخورد دوگانه نداشته باشند. به گفته او: "قانون‌شکنی و تبعیض نباید در صوف پولیس وجود داشته باشد.



رابطه به حضور کودکان در صفوف نیروهای امنیتی وجود ندارد، اما به هیچ‌وجه نباید به بهانه‌های مختلف از کودکان در صفوف نیروهای امنیتی استفاده شود.

همچنان، فرید حمیدی دادستان کل کشور در این نشست گفت که به هیچ بهانه‌ای اجازه شکنجه به نهادهای دولتی داده نمی‌شود.

به گفته دادستان کل، تا زمانی عدالت و حکومت‌داری در روستاها تأمین نشود، امنیت در افغانستان تأمین نخواهد شد.

آقای حمیدی خاطر نشان کرد: ناامنی در روستاهای ما است، نقش و جایگاه پولیس در روستاها بسیار مهم است، ما تنها با رساندن امنیت و عدالت در روستاها می‌توانیم مردم را با حکومت نزدیک‌تر سازیم.

به گفته او: "بدون توجه حکومت به مشکلات روستائینان به قریه‌ها، به معیشت‌شان، به نگرانی‌های و به زنده‌گی و به مشکلات‌شان برای تأمین عدالت و حاکمیت قانون، بدون این ممکن نیست که ما در افغانستان امنیت بیاوریم."

عدم دسترسی مردم به نهادهای عدلی و قضایی در روستاها یکی از مشکلات اساسی روستائینان برای تأمین عدالت است.

آقای حمیدی بیان داشت که در شماری از ولسوالی‌ها، مسولان قضایی حضور ندارند، ولی او تأکید کرد که تلاش‌هایی برای دسترسی مردم به عدالت در روستاها ادامه دارد.

گفتنی است که در این نشست، ۱۲۰ فرمانده پولیس ولسوالی‌های مختلف کشور اشتراک کرده و قرار است در رابطه به مسولیت‌های پولیس برای تأمین قانون و حقوق بشر، به آنان آموزش داده شود.

نمی‌کند و به هیچ صورت دشمن نمی‌تواند همکاری مردم را به دست آورد. به همین دلیل، ما تأکید می‌کنیم که پولیس باید مسلکی شود و وظایف خود را براساس قوانین و ارزش‌های حقوق بشر انجام دهد.

رییس کمیسیون حقوق بشر افزود که رفتار پولیس با کودکان و افراد دارای معلولیت باید انسانی و محترمانه باشد، زیرا هر نوع رفتار تحقیرآمیز پولیس با زنان، کودکان و اشخاص دارای معلولیت، خلاف قانون و ارزش‌های حقوق بشری است.

خانم سمر گفت با آنکه در حال حاضر گزارشی در

برخوردها باید بدون تبعیض باشد و تبعیض قومی، مذهبی و سمتی در برخورد پولیس وجود نداشته باشد."

سیما سمر رییس می‌گوید که پولیس باید از زنان قربانی حمایت کند و از استفاده کلمات زشت در برابر آنان خودداری کند.

به گفته او، حکومت‌داری زمانی در افغانستان موفق می‌شود که رفتار پولیس قانون‌مند باشد.

رییس کمیسیون حقوق بشر خاطر نشان کرد: در صورتی که پولیس موفق باشد، مردم از ما دوری

به بهانه ۲۶ دلو بیست و هفتمین سال روز خروج شوروی از افغانستان

# دیدگاه شخصیت‌های معروف امریکایی در مورد نقش احمدشاه مسعود در جهاد افغانستان، مداخلات پاکستان و اشتباهات سی. آی. ای

منبع: التریت پولوتیکس،

گرداننده: میلیسا رادی (Melissa rathi)

برگردان: ماندگار - ابوبکر صدیق

**اشتراک کننده گان:** ایدمونند مکویلیسم، نماینده خاص پیشین امریکا در افغانستان، پروفیسور جانسون، سناتور گردن همپفری و ملیت بُردن رییس سازمان سیا از ۱۹۸۶-۱۹۸۹ در پاکستان.

**میلیسارادی، گرداننده:** من در حال حاضر مصروف ساختن فیلم مستندی در مورد تاریخ افغانستان می‌باشیم. و اخیراً متوجه شدم که فیلمی به نام "جنگ چارلی ویلسن"، ساخته شده بود که در آن، وی ادعا می‌کند که در جریان سال‌های ۱۹۸۰ ایالات متحده امریکا از گروه‌هایی که به رهبری احمدشاه مسعود در برابر اتحاد جماهیر شوروی می‌جنگیدند، حمایت کرده است.

این ادعا، با مخالفت برخی افراد به شمول ایدمونند مکویلیسم، نماینده خاص امریکا در امور مجاهدین روبرو است.

احمدشاه مسعود، از رهبران معروف مجاهدین، در شمال افغانستان بود؛ فردی که در ۹ سپتمبر سال ۲۰۰۱ ترور شد.

من، ادعای حمایت امریکا از احمدشاه مسعود، در فیلم چارلی ویلسون را از افراد کلیدی بی که در جریان آن تاریخ قرار داشته اند، پرسیدم: شما در مورد ادعای فیلم چارلی ویلسن، مبنی بر حمایت امریکا از احمدشاه مسعود، چه فکر می‌کنید.

**گرداننده:** در فیلم چارلی ویلسون، ادعا صورت گرفته است که بیشتر کمک‌ها (کمک‌های امریکا به مجاهدین در برابر شوروی) تنها به احمدشاه مسعود رفته است. شما در این مورد چه می‌گویید؟

**ایدمونند مکویلیسم، نماینده خاص پیشین امریکا در امور افغانستان [با شنیدن این سوال روی خود را به شدت چرخانده با عصبانیت می‌گوید]:** نه! این بسیار حیرت‌آور است. این درست نیست. این دل سرد کننده است. این اصلاً حقیقت ندارد. این حقیقت ندارد ...

پروفیسور تام جانسون: "هنوز می‌توانم بگویم که من در سال ۱۹۸۶ صحبتی با یکی از افسران بخش مالی احمدشاه مسعود، در پشاور پاکستان داشتم. او اساساً بخشی از ایده‌های خوب خود را به من گفت و تاکید کرد که واقعاً کسانی که در دره پنجشیر در برابر شوروی می‌جنگیدند، حداقل هیچ حمایتی را برای جنگ در برابر اتحاد جماهیر شوروی به دست نیآورده بودند. [پروفیسور تام جانسون اضافه می‌کند] هیچ چیز؛ حتی نزدیک نصف آنچه از کمک‌های امریکا که گلبدین حکمتیار و سایر گروه‌ها زیرکانه آن را به دست آورده بودند."

**سناتور گردن همپفری:** مسعود، بهترین فرمانده کاریماتیک و بسیار تاثیرگذار بود و همچنان برای بهبود روابط با کشورهای منطقه و جهان از جمله امریکا تلاش می‌کرد. اما او قطعاً به بیشتر امکاناتی که برای مبارزه نیاز داشت، دست نیافته بود. با آن‌که او در موقعیت استراتژیک دره پنجشیر که در شمال کابل موقعیت دارد قرار داشت و جایی که راه ترانزیتی از کابل به طرف کشورهای تاجکستان، ازبکستان، ترمز ترکمنستان را از طریق گذرگاه سالنگ وصل می‌کند و کامیون‌های تسلیحاتی شوروی از این مسیر انتقال داده می‌شد. بنابراین، او در یک نقطه



و توزیع کمک‌های تکنیکی برای گروه مجاهدین خیلی غیر عادلانه کار می‌کرد. سناتور همپفری: من و برخی از اعضای کنگره امریکا، با نگرانی پافشاری می‌کردیم که قصر سپید، دولت امریکا و سازمان سیا باید توزیع کمک را تحت مراقبت جدی داشته باشند و باید تعیین کنند که کدام گروه از مجاهدین چه مقدار اسلحه را چه وقت به دست می‌آورند؛ اما این کار صورت نگرفت! گرداننده: چارلی ویلسن، عضو کنگره امریکا، از بسیار نزدیک با سازمان سیا کار کرده است. چه پاسخی دارد به اطلاعاتی دارد که افراد گلبدین حکمتیار بالای مردمان ملکی حمله می‌کردند و آنان را مورد سو استفاده قرار می‌دادند؟

**سناتور همپفری:** وی بر سی آی ای اتکا داشت و گپ این سازمان این بود که می‌گفت: همه چیز خوب است. آنان به این باور بودند که همه چیز به خوبی پیش می‌رود. در حالی که به فکر من همه چیز آنچنانی که آنان می‌گفتند، خوب نبود. پروفیسور جانسون: گلبدین حکمتیار یگانه فردی در تاریخ بشریت است که وقتی نخست‌وزیر بود، به شکل منظم شهر خود را راکتباران می‌کرد.

**سوال:** با این حال چرا سازمان سیا، همواره برای حمایت از گلبدین حکمتیار پافشاری می‌کرد؛ در حالی که می‌دانستند او با کشتار مردم افغانستان بیشتر از شوروی شهرت یافته بود؟

**مکویلیسم:** من فکر می‌کنم که برخی اوقات در نظام بروکراسی، شما با اشتباهات گذشته تان قربانی می‌شوید؛ چنانچه می‌گویند اگر شما دانسته در یک مسیر اشتباه حرکت کنید، برای یک مدت طولانی بیشتر محافظه کارانه عمل می‌کنید. به نظر من این حالت برای سازمان سیا پیش آمده بود. ارتباط بلامنازع امریکا، با گلبدین، از بسیار پیش بر اثر تلاش‌های پاکستان صورت گرفته بود. شاید این ارتباط، در یک حالت بحرانی صورت گرفته بود که پس از سال‌ها، سوالاتی را خلق کرده است.

**مکویلیسم:** مسعود مقدار اندکی از کمک‌های امریکا را دریافت کرده است. بخشی از مشکلات، موقعیت جغرافیایی دوردست او بود. او در ساحة دور افتاده افغانستان قرار داشت. این دشوار بود تا کمک‌ها برای او برسد. مهم‌تر از آن پاکستانی‌ها بودند که کمک‌ها را به شکل جدی تحت مراقبت داشتند و از طریق خود سازمان‌دهی می‌کردند و بی میلی برای فرستادن هرنوع کمک برای مسعود در میان رهبران پاکستانی وجود داشت؛ چون مسعود یگانه رقیب جدی گلبدین حکمتیار دیده می‌شد. گلبدین گزینه دلخواه برای پاکستان بود.

**سوال:** گلبدین حکمتیار چگونه فردی بود؟

**پروفیسور جانسون:** افراطی بودن گلبدین حکمتیار به همه معلوم بود. من فکر می‌کنم حتی پیش از سال ۱۹۸۵ ناظرین مسایل افغانستان می‌فهمیدند که او دوست امریکا نبود و این کاملاً روشن بود. پروفیسور جانسون: وقتی در واشنگتن بودم، اخبار حملات گلبدین حکمتیار، بالای سایر احزاب جهادی در سال‌های ۸۶ - ۸۷ داغ بود. من فکر می‌کنم که این یک امر شناخته شده و مسلم بود که اعضای حکومت امریکا و سازمان استخباراتی کشور، مشکلات را تشخیص کرده بودند. اما، پاکستان در تنظیم

استراتژیک قرار داشت و نیازمند حمایت استراتژیک قابل اعتمادی بود تا برایش برسد؛ چون او بهترین مرد بود.

**ملیت بُردن، رییس سازمان سی آی ای (سیا) در سال‌های ۱۹۸۶ - ۱۹۸۹ در پاکستان:**

مسعود یک مرد فوق‌العاده بود. چیزی که می‌توانم بگویم این است که مسعود یگانه مرد افغان بود که به خاطر ایستاده‌گی در برابر اشغال شوروی، زمینه‌های بسیار بزرگ دولتمرد شدن را در افغانستان داشت. اما او مورد علاقه پاکستان نبود؛ به خاطری که او پشتون نبود. این واضح است. ببخشید!

**پروفیسور جانسون:** احمدشاه مسعود، شخصیت مستقلی بود که به پاکستان اجازه دخالت را در امور افغانستان نمی‌داد، به گفته‌های پاکستانی‌ها گوش فرا نمی‌داد. او مانع برنامه‌های پاکستان در افغانستان بود.

بسیار زیرکانه عمل می‌کرد. احمدشاه مسعود، در حالی بیشتر از دیگران در مبارزه علیه اتحاد جماهیر شوروی اشتراک داشت و شمار زیاد سربازان شوروی توسط مجاهدین او از بین برده شده بودند؛ اما هیچ‌گاه کسی کمک و پولی از پاکستان دریافت نکرد.

بسیار زیرکانه عمل می‌کرد. احمدشاه مسعود، در حالی بیشتر از دیگران در مبارزه علیه اتحاد جماهیر شوروی اشتراک داشت و شمار زیاد سربازان شوروی توسط مجاهدین او از بین برده شده بودند؛ اما هیچ‌گاه کسی کمک و پولی از پاکستان دریافت نکرد.

اشاره: محمدنعم رحیم، یکی از شاعران و فرهنگیان جوان ولایت کندز است. چندین سال می‌شود که او در «گستره فرهنگی موج آمو» در هم‌سویی با فرهنگیان این ولایت، برنامه‌های ادبی - فرهنگی راه‌اندازی می‌کند و می‌کوشد موج کارهای ادبی را در این ولایت جاری نگه دارد. برای دانستن از حال و احوال کارهای فرهنگی در ولایت کندز و تلاش‌های فرهنگی آقای رحیم، گفت‌وگویی را با ایشان انجام داده‌ایم که اینک آن را می‌خوانید.



جناب رحیم! ممنون از این که برای این گفت‌وگو وقت گذاشتید. در آغاز دوست داریم از زنده‌گی تان بگوییم. من در بیستم آذرماه سال ۱۳۶۵ در کابل به دنیا آمدم. پس از جنگ‌های ویران‌گر و راکت‌پراکنی‌های گلبدین حکمتیار، به سرزمین پدری‌ام «کهن‌دژ» رهسپار شدیم. مادرم از کابل‌یان اصیل است و پدرم از کندز. من نیز اصالتاً کندزی هستم. مکتب را تا پایان دوره لیس، در لیسه عالی شیرخان ولایت کندز تمام کردم و پس از سپری کردن آزمون کانسکور، به دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه کندز در بخش زبان و ادبیات انگلیسی راه یافتیم. در سال ۱۳۸۹ دانشگاه را با نمرات کادری تمام کردم و در سال ۱۳۹۰ از طریق رقابت استادی وزارت تحصیلات عالی کشور به عنوان استاد در دانشگاه کندز معرفی شدم. و حالا که حدود پنج سال می‌گذرد، در این نهاد تحصیلی مشغول تدریس به هم‌نسلان فلاکت‌کشیده خود هستم.

چه زمانی و چرا به سرودن آغاز کردید؟

از دید من، شعر پیش از آن‌که گزینش باشد، یک قریحه نهان در روح شاعر است که با شاعر متولد می‌شود. شاید خیلی‌ها شاعر تولد شوند، اما فقط شماری این حس پنهان در نهاد خود را کشف می‌کنند و به سرزمین‌های دور از چشم همه دست می‌یابند. من از زمان دانش‌آموزی که تازه با نویسندگان حوزه «ایران فرهنگی»؛ تاجیکستان، افغانستان و ایران آشنا شده بودم، حس کردم که می‌توانم با زبان اشیای دور و برم حرف بزنم و این گفت‌وگو را آغاز کردم. اما جدی‌تر زمانی که در دانشگاه با نویسندگان جهان و آثارشان آشنا شدم، این گفت‌وگو را دنبال کردم. چرایی سرودن شعر برای من هنوز مبهم است. من فکر می‌کنم چیزی مرا وامی‌دارد که فریاد بکشم و از این روزنه، خلوت خویش را پُر کنم از واژه‌ها.

در کدام قالب بیشتر می‌سرایید؟

در آغاز که با قالب‌ها و فرم‌های ادبی آشنایی چندانی نداشتم، بیشتر نوشته‌هایم شبیه بودند به یک طرح ساده و خام ادبی که سال‌های بعد، تمام آن‌ها را آتش زد. شاید محرومیت‌های فرهنگی و نبود منابع ادبی در کندز، به این فرایند تداوم بخشیده باشد. نخستین تجربه‌هایم در قالب شعر آزاد، سپید، کوتاهه و نیمایی بودند. این روزها دوبیتی و رباعی و غزل نیز می‌سرایم. اما از دید مخاطبین، بیشتر در قالب شعر سپید موفق هستم و سپید را بیشتر کار می‌کنم.

از این که فضای آشفته فرهنگی کشور معیارهای شعر سپید و یا هر نوشته دیگر را بی‌سامان ساخته است، و از جانب دیگر، سنت‌زده‌گی و عام‌پذیری شعر کلاسیک باعث شده چه من و چه هر شاعر دیگری رو بیاورد به شعر موزون. من این روزها بیشتر وزن را تمرین می‌کنم؛ اما هنوز باورمندم که فردای شعر پارسی، شعری به جز شعر موزون خواهد بود.

چرا شعر برای تان این قدر مهم است؟

شعر آمده است تا زنده‌گی کنم. شعر چیزی غیر از زنده‌گی برای من نیست. سال‌های پیش از شعر را زنده بودم، اما حالا فکر می‌کنم زنده‌گی با شعر چیزی بیشتر از زنده بودن است. شعر یک گفت‌وگوست، گفت‌وگو با پروردگار، گفت‌وگو با معشوق، گفت‌وگو با طبیعت، گفت‌وگو با کهنشان، گفت‌وگو با خود، و کسی که این گفت‌وگو را آغاز کرده است، خاموشی برایش جز مرگ نیست. شعر زنده‌ترین و حقیقی‌ترین تاریخ بشر است که کمتر در آن دروغ بازتاب می‌یابد. شعر درمان کلان‌ترین درد جامعه که انقراض فرهنگی است، می‌باشد. همین‌گونه شعر پلی است که مرا با گذشته و آینده می‌آمیزد تا از یک پنجره باز با خلاق هم‌سو شوم.

حال و احوال وضعیت اجتماعی و فرهنگی در کندز چگونه است؟

جمعیت کندز را اقلیت‌های ساکن در این ولایت تشکیل می‌دهد که به‌گونه عجیبی با هم پیوند خورده‌اند. کندز به عنوان «افغانستان کوچک» پاسدار فرهنگ‌های تمام اقوام کشور است که از سالیان زیاد در این ولایت آب و نمک می‌خورند. اما این بافت محکم اجتماعی به سبب برتری طلبی و استبداد تباری از هم پاشیده و اصطلاح ملی‌گرایی به‌ظاهر ولی در اصل همان تحمیل تباری، اصطلاحات زیادی را به میان آورده است. جنگ‌های سازمان‌یافته و تحمیلی همان‌گونه که حلقه زنده‌گی مردم در این ولایت را تنگ ساخته، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز محصور و محدود کرده است. نهادهای مهم فرهنگی که از جانب دولت مدیریت می‌شوند، نه تنها در حمایت از فرهنگ و تمدن مردم

# شعر آمده است تا زنده‌گی کنم!

پرسی وشنه دماندگار با محمدنعم رحیم

گفت‌وگو کننده: هارون مجیدی

اما جسارت چاپ شعرهایم را تا امروز نداشته‌ام و به آن کمتر فکر کرده‌ام. تنها کار جدی‌یی که در حوزه ادبیات و فرهنگ انجام داده‌ام، ایجاد «گستره فرهنگی موج آمو» در کندز است که به یاری فرهنگیان و نویسندگان کندز در سال ۲۰۱۳ بنیان‌گذاری شده. در این گستره تا امروز بیشتر از سی برنامه کلان فرهنگی در کندز تدویر یافته است که رونمایی آثار نویسندگان، نقد، کنفرانس‌های علمی و نیکوداشت از کارهای شاعران و نویسندگان را شامل می‌شود.

چه کارهای تازه‌یی روی دست دارید؟

به‌تازه‌گی با حمایت نویسندگان و شاعران تصمیم گرفته‌ام مجموعه‌یی از نوشته‌هایم را به چاپ بسپارم که کارهای مقدماتی آن تکمیل شده است. در این مجموعه زیر نام «ابلیس روزی فرشته بود» شعرهای سپید و نیمایی‌ام به چاپ خواهند رسید.

به عنوان حُسن ختام، یکی - دو نمونه از سروده‌های زیبایی‌تان را با خواننده‌گان ماندگار شریک بسازید.

مرگ وقتی زنده‌ای یک اتفاق ساده نیست

باده کی نوشم اگر تا دامت سجاده نیست

مرگ وقتی می‌رسد تدبیری جز لبخند نیست

بین مرگ و زنده‌گی دیوار و یا یک جاده نیست

مرگ وقتی می‌رسد آغوش را بگشای و بعد

سخت‌گیری در بغل تا نیت‌اش افتاده نیست

مرگ وقتی می‌رسد هیئات ای مرد زبون

هیچ یاری در کناری از غمت ایستاده نیست

مرگ وقتی زنده‌ای یک اتفاق ساده نیست

مرگ سر کردن به مثل جام یا یک باده نیست

۳

زنده‌گی با تار گیسوی تو پیوند خورده است

چون کمر با پیچ و تاب مو پیوند خورده است

خَم نمی‌آری به ابروی خَمات چشمان سیاه

بس که ابروی تو با گیسو پیوند خورده است

ماه‌روی خوش‌نمای قریه‌مان گیسو کمان

روسری‌ات وقتی دور رو پیوند خورده است

بدرقم در چشم تو محو تماشای خود ام

وقتی با چشمان تو جادو پیوند خورده است

دین گیسوی تو هم دین عجیبی ست جان من

تاجیک است اما با هندو پیوند خورده است

روکش روی انار و قد نازویت یکی ست

هر دو با موهایت ای گلرو پیوند خورده است

دلربای دختران کابلی و تا بدخش -

لعل لب‌های تو با ارگو پیوند خورده است

شرایط چه از لحاظ امنیتی چه از لحاظ فرهنگی و چه از لحاظ اجتماعی در کندز با سایر ولایات متفاوت است. شاید در گذشته‌ها کندز به عنوان یک شهر مهم در شمال و یا مرکز قطغن زمین و یا تخارستان مهد فرهنگ و ادبیات بوده است، اما حالا که گرفتار بیماری‌های اجتماعی و سیاسی است، به هیچ عنوان آن صلابت گذشته را ندارد. فرهنگیان و شاعران امروز تخار به مراتب پیشتاز و فعال هستند. به گونه مثال، بستر ادبی «دریاچه» ده‌ها شاعری دارد که در گفتارهای کلان فرهنگی در حوزه کشورهای پارسی‌زبان مطرح هستند.

به همین‌گونه، شاعران و نویسندگان بلخ کارهای بنیادینی انجام داده‌اند و حلقات فرهنگی و ادبی زیادی در بلخ فعال‌اند که حتا دامنه برنامه‌های‌شان به کابل رسیده است. هرات که خود خاستگاه فرهنگ و ادبیات است، در سال‌های پسین شاعران زیادی را پرورش داده که کارهای‌شان بازتاب خوبی یافته است. اما برای کابل همین‌که استاد هنرورد زریاب جایزه جلال آل احمد را از کشور ایران می‌گیرد، افتخار بزرگی ست که طی چند دهه نصیب‌مان نشده بود. با آن‌هم از کابل انتظار بیشتر می‌رود تا برنامه‌های فرهنگی به گونه سلیقه‌یی نه، بل با معیارهای فرهنگی برگزار گردد.

کارهای کدام شاعران را بیشتر می‌خوانید؟

من کار شاعران حوزه تمدنی پارسی را همیشه خوانده‌ام. شاملو، سهراب، فروغ، حضرت مولانا... شاعرانی هستند که با آنان تا این‌جای سرزمین‌مان هم‌سفر بوده‌ام. گل‌رخسار، ادیبه عزیز، فرزانه خجندی و سیاوش از شاعران نام‌آشنای تاجیکستان هستند که از آن‌ها بسیار خوانده‌ام. شعر امروز تاجیکستان به گونه مستقیم با شعر اروپا و جهان پیوند خورده است، این ویژه‌گی شعر تاجیکستان باعث شده بیشتر آن را بخوانم. یکی دیگر از خصایصی که شعر امروز تاجیکستان مرا به‌خود کشانده است، یک‌نواختی مضمونی است. یعنی شعر امروز تاجیکستان برخلاف افغانستان و ایران، به مفاهیم کلی می‌پردازد و از نشانه‌های محیط عاطفی و نگاه صمیمانه شاعر به زنده‌گی‌اش دور است.

در آینه شعر امروز افغانستان، چهره معدود کسانی بازتاب یافته است که از آن‌ها همیشه می‌خوانم، وحید بکتاش، رضا هزاره، کاوه جبران، رضا محمدی، نجیب بارور، ده‌آتشین، شهپر داریوش، نازی شریفی، زیور نعیمی، ذکیه نوروزی... شاعرانی هستند که رسالت‌مندانه کار می‌کنند.

وقتی بکتاش می‌گوید: ما برای زن‌ها به دنیا آمده‌ایم، یک هتجار عجیب شده در ادبیات میانه افغانستان را می‌شکند و آن دید سنتی شعر افغانستان به زن را می‌کشاند به دنیای شعر جهان که زن در آن دیگر یک نماد پنهان پشت پرده تیاتر نیست و می‌تواند روی صحنه به زیبایی معشوق بکتاش هنرآفرینی کند.

چه کارهایی از شما تا حال نشر شده است؟

کارهای من به عنوان یادداشت‌هایی از من نه شعر، در مجلات، روزنامه‌ها، و نشریه‌های فرهنگی منتشر شده‌اند.

نیستند که فضای فرهنگی را سم‌آگین می‌سازند و با رویکردهای فرهنگی برخورد چندگانه دارند. با این‌همه، چند نهاد محدود برای بالنده‌گی فرهنگ و ادبیات کار می‌کنند که بدون حمایت دولت و یا نهادهای دیگر، برنامه‌های‌شان ادامه دارد.

آیا نهادهای ادبی و فرهنگی در کندز فعال‌اند و اگر فعالیت دارند، چقدر کارهای این نهادها قناعت‌بخش است؟

به سبب جنگ‌ها و جو به‌شدت ناآرام روانی در کندز، فضا برای کار ادبی - فرهنگی به‌ویژه در سال‌های پسین کمتر مساعد است. با آن‌هم، ما شاهد ایجاد نهادهای ادبی و فرهنگی زیادی هستیم؛ از جمله «گستره فرهنگی موج آمو»، «کلبه فرهنگی ضیایی» و انجمن‌هایی که در نهادهای تحصیلی فعالیت می‌کنند. برنامه‌های این نهادها در حد روخوانی و بعضاً نقدهایی از نویسندگان خلاصه می‌شود. این فعالیت‌ها پیوسته و علمی نیستند و به شیوه گزینشی برآمد چندانی ندارند. نشریه‌ها و کارهای کلان علمی، بستر خوب ندارد. فرهنگ کتاب‌خوانی در جامعه منقرض شده و چاپ‌خانه‌هایی که قبلاً در این ولایت فعالیت داشته‌اند، دیگر وجود ندارند. به تازه‌گی کتاب‌خانه عامه کندز صاحب ساختمان شد که آن‌هم در حد یک دست‌آورد نمایشی، به گذشته پیوست.

از دید من، مهم‌ترین نهاد فرهنگی در یک ولایت، ریاست اطلاعات و فرهنگ است. متأسفانه در کندز حداقل طی سال‌های پسین که من شاهدش هستم، هیچ برنامه فرهنگی‌یی از جانب این ریاست تدویر نیافته است. نه تنها برنامه‌یی وجود ندارد، بلکه در حمایت از نهادهای فرهنگی کاری هم صورت نمی‌گیرد.

با وجود این‌همه ناکاره‌گی، شماری از نهادهای فرهنگی که با حمایت نویسندگان فعال هستند، کارشان قابل تمجید است و همواره برنامه‌هایی برای رشد فرهنگ و پیداری نسل نو دارند.

برای بهتر شدن فضای کارهای فرهنگی در کندز چه دیدگاهی دارید؟

دو دیدگاه مشخص دارم. نخست این‌که نهادهای فرهنگی مسوول، از مافیای قومی رهانیده شوند و سیاست از فرس این نهادها به کوچه‌های سیاست جاروب شود؛ چون رویکردهای سیاسی در افغانستان همیشه تباری بوده است، و سیاست تباری فرهنگ را قربانی می‌سازد. این موضوع به دوگانه‌گی سیاست و فرهنگ ربطی ندارد. ما نیازمند همگرایی فرهنگی هستیم و این همگرایی از فیلتر اجتماعی ممکن است.

دوم، برای فرهنگ، زبان و ادبیات‌مان معیارهای آکادمیک تعیین شود تا از تعرض آن‌هایی که تخصص‌شان به غیر از ادبیات است، در امان باشد. شرایط طوری پیش آمده که حتا آدم‌های غیرمسوول ادای زبان‌شناسی درمی‌آورند و فضای فرهنگی را با معیارهای غیرعلمی به بن‌بست می‌کشاند.

آیا کارهای شاعران و فرهنگیان حوزه‌های دیگر را فعالیت فرهنگی می‌خوانید؟



# دانشجویان افغانستان در هنگری

## پیش از ختم دوره تحصیل اخراج می شوند



حمید فرهادی - ماندگار

هنگری (که تا سال ۲۰۱۵ در این کشور فعالیت داشت) مراجعه نمودند، به این چالش آنان هنوز رسیدگی صورت نگرفته و به دلیل عدم رسیدگی به این چالش دانشجویان، تا چند هفته دیگر، قرار است آنان از این کشور اخراج شوند.

جواد محسنی، نماینده دانشجویان افغانستان در هنگری می گوید تا چند هفته دیگر اگر دولت افغانستان در این زمینه اقدام نکند و با هنگری وارد مذاکره نشود، ناگزیر هستند که همه مصارف را خودشان بپردازند و در صورت عدم پرداخت مصارف، آنان از این کشور اخراج خواهند شد. وی در ادامه می افزاید: از سوی ریاست دانشگاه، برای دانش جویان افغانستان پیام فرستاده شده و چهار هفته مهلت داده شده است که پولشان را پرداخت کنند، در غیر آن، از دانشگاه اخراج خواهند شد. محسنی در ادامه صحبت هایش گفت: «کسانیکه وضعیت مالی شان خوب است، پولشان را پرداخت نمودند، اما کسانیکه توانایی مالی را ندارند، چاره ای ندارند و حیران مانده اند که چیکار باید بکنند».

نماینده دانشجویان افغانستان می افزاید: «در این صورت، دو راه برای ما باقی مانده است؛ یا این که درس را به اتمام نرساند، به کشورهای دیگر اروپایی فرار کنیم و به آنجا درخواست پناهنده گی بدهیم، یا این که به سیاست هنگری تن داده و به افغانستان برگردیم».

وی می گوید: اما هنوز راه حل وجود دارد و اگر وزارت تحصیلات عالی و وزارت خارجه افغانستان از همین

دانشجویان افغانستان در هنگری که از چندسال پیش توسط پروسه «پی-آر-تی» به آنان امتیاز بورس داده شده است، می گویند که به دلیل تغییراتی که در سیستم حکومت داری این کشور وارد شده، قرار است آنان قبل از اتمام دوره دانشگاه، از این کشور اخراج شوند.

آنان می افزایند زمانی که شامل بورس این کشور شدند، پروگرامی به اسم «بالاشی انستیتیوت» با آنان قرارداد بسته بود که طبق آن قرارداد، تا پایان دوره ماستری، همه مصارف آنان را بپردازند؛ اما زمانی که در سال ۲۰۱۴ حکومت هنگری دست به تغییراتی در سیستم حکومتی این کشور زد، سیستم بورس نیز تغییر کرد و امتیاز ادامه تحصیل در این کشور دوباره از آنان گرفته شده است.

به گفته دانشجویان افغان، بنابر تحولاتی جدید در سیستم حکومت داری هنگری؛ کشورهای که قبلاً شامل پروگرام بودند، باید دوباره نماینده های شان را به هنگری بفرستند و با آن کشور مذاکره نمایند تا این که کشورشان شامل پروگرام جدید شده و بورس دانشجویان شان نیز تمدید شود.

بنابر گفته های دانشجویان، نماینده تمامی کشورهای که شامل این سیستم بودند به هنگری آمده و پس از مذاکره دانشجویان شان را دوباره شامل این پروسه نمودند. اما با وجودی که دانشجویان افغان، برای رفع این چالش چندین بار به سفارت افغانستان مقیم

حالا اقدام نمایند، می توانند نماینده های از افغانستان بفرستند و با مذاکره با نمایندگان کشور هنگری، این چالش را از سد دانشجویان افغان برطرف سازند.

در همین حال، سخنگوی وزارت تحصیلات عالی افغانستان می گوید: مشکل اساسی در این است بورسیه هایی که از سوی دفاتر سیاسی، افراد و اشخاص و گروه ها طی مراحل می شود، کدام تفاهم نامه رسمی با وزارت تحصیلات عالی نداشتند یا ندارند و به همین دلیل این مشکل پیش آمده است. اما با آن هم و وزارت خارجه کشور باید در این زمینه تحقیق نموده و وزارت تحصیلات عالی را در جریان بگذارد تا در این زمینه رسیدگی صورت گیرد.

فیصل امین، سخنگوی این وزارت در صحبت به ماندگار می گوید: «وزارت خارجه به عنوان نهادی که دستگاه دیپلوماسی ما مربوط به این وزارت است، هرزمانی که با ما تماس بگیرند و ما را رسماً در جریان بگذارند که در سیستم حکومت داری هنگری تغییرات وارد شده و این سبب شده است که برای دانشجویان افغانستان مشکلی به میان آمده، ما به این مشکل رسیدگی می نمایم».

اما دانشجویان می گویند که بورس آنان در هماهنگی با وزارت تحصیلات عالی صورت گرفته و آنان گذرنامه «دانشجویی» وزارت تحصیلات عالی را دارا هستند.

دانشجویان می گویند که این نخستین باری نیست که با غفلت و سهل انگاری مقام های افغان در هنگری روبرو می شوند.

نماینده دانشجویان افغانستان در هنگری در ادامه سخنانش می افزاید: «پیش از این نیز ما مشکل پولی داشتیم؛ چون دانشجویانی که از افغانستان در کشور دیگری تحصیل می کنند، به غیر از کشور بورس دهند، باید مبلغی از سوی کشور نیز دریافت نمایند، اما متأسفانه ما فاقد همی امتیاز هستیم و با وجود تلاش فراوان و دریافت گذرنامه دانشجویی از سوی وزارت تحصیلات عالی، در این زمینه هنوز هیچ توجهی صورت نگرفته است».

تلاش کردیم در زمینه دیدگاه وزارت خارجه افغانستان را نیز داشته باشیم، اما با تماس های مکرر موفق به این کار نشدیم.

شمار دانشجویان افغانستان در هنگری به ۲۳ تن می رسد که در رشته های علوم اجتماعی و روابط بین الملل مصروف فراگیری تحصیل هستند و پیش از این نیز چندین دور از دانشجویان افغان با سندهای کارشناسی و کارشناسی ارشد دوباره به افغانستان برگشتند.

### عمرزاد:

## حکومت دی د ۲۰۲۰ تر پایه د بنخو ونډه ۳۵ سلنو ته لوړه کړي



لپاره به جلدی اقدام وکړي.

بل خوا د بنخو چارو وزات وايي، لا هم دولتي ادارو کې د مېرمنو په وړاندې تاوتریخوالي جریان لري. د دغه وزارت مرستیاله سپوږمۍ وردگ وايي، د مېرمنو او نارینه و ترمنځ د حقوقو او امتیازاتو نانسولې، په ادارو کې د مېرمنو څوړونه او یو شمېر نور مسائل هغه څه دي چې لا هم په ادارو کې د بنخو د کار کولو په وړاندې خنډونه شمېرل کېږي.

اغلی وردگ اندېښنه وښوده چې که په ادارو کې د مېرمنو څوړونه همداسې دوام ولري بنسایي د بنخو ونډه نوره هم رابښکته شي.

نوموړې وايي: «بدبختانه زموږ هغه هدف چې مېرمنو ته په ملکي

د سولې، برابری او دیموکراسۍ بنسټ وایي، له افغان حکومت او مرستندویه بنسټونو سره یې هڅې پیل کړي خو په دولتي ادارو کې د کار پر مهال افغان مېرمنو ته دادمه فضا رامنځ ته او په دولتي ادارو کې د دوی ونډه زیاته شي.

د دې بنسټ رئیس محمد ادریس عمرزاد وايي چې د امریکا د متحده ایالاتو د پروموټ یا د افغان بنخو د پیاوړتیا پروژې په مرسته یې په کابل کې په دولتي ادارو کې د بنخو د ستونزو د حل په هدف هلې ځلې پیل کړي.

بنساغلي عمرزاد د یکشنبې په ورځ حکومت کې د بنخو د پالیسو د اصلاحاتو تر عنوان لاندې جوړې شوې دوه ورځنۍ غونډه کې وویل، له پلان سره سم هلې ځلې پیل شوي خو تر ۲۰۲۰ میلادي کال پورې په حکومت کې د بنخو ونډه ۳۵ فیصدو ته لوړه شي.

نوموړي وویل: «موږ انتظار کوو چې د ۲۰۱۷ کال تر پایه د بنخو ونډه ۲۵ فیصد ته ورسېږي او ان په پلان کې ده چې حکومت باید د ۲۰۲۰ کال تر پایه په دولت کې د بنخو ونډه ۳۵ فیصدو ته لوړه کړي دا اوس په دوی پورې اړه لري چې دولتي ادارې په دې برخه کې خپل پلانونه څومره عملي کوي».

له دې وړاندې افغان ولسمشر محمد اشرف غني په ادارو کې له مېرمنو سره د ناوړه چلند خبر ورکړی و. هغه ډاډ بنسولې و چې د دغه تاوتریخوالي د مخنیوي



دکتر رحیمی در مراسم رونمایی از کتب جدید سواد آموزی:

## نصاب تعلیمی گذشته هدف مند و موثر نبود

معین سواد آموزی وزارت معارف کشور می گوید که کتاب های جدید سواد آموزی قابلیت محور بوده و در پرتو ارزش های اسلامی و مطابق به معیارهای علمی و عملی تهیه شده است.

معینیت سواد آموزی معارف روز یکشنبه (۲۴ دلو) از کتاب آموزش قرآن کریم، کتاب پشتوی سواد آموزی، کتاب دری سواد آموزی، کتاب ریاضی سواد آموزی، کتاب ارزیابی شاگردان و کتاب رهنمای آموزش معلمان رونمایی کرد.

قرار است این کتاب ها، سال آینده تعلیمی در فاز سوم برنامه سواد آموزی به صورت آزمایشی برای ۲۳۵ هزار سواد آموز احتمالاً در ۳۴ ولایت کشور، چاپ و توزیع گردد.

سردار محمد رحیمی معین سواد آموزی وزارت معارف کشور گفت: «کتاب درسی جدید سواد آموزی با استفاده از تجارب ملی و بین المللی توسط متخصصین خارجی (از کشورهای ازبکستان و کانادا) و ۱۴ متخصص داخلی از اکادمی علوم، وزارت معارف و دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، با محتوا و ویراستاری خوب آماده چاپ شده اند».

آقای رحیمی افزود، تلاش کافی به خرج داده شده است، تا محتویات درس های این کتب در پرتو ارزش های اسلامی مرتبط به موضوعاتی که سواد آموزان با آنها در زندگی روزمره و واقعی خود سروکار دارند، مانند آموزش زیست باهمی، خانه و خانواده من، صحت و غیره تهیه شده است.

رحیمی خاطر نشان کرد، معینیت سواد آموزی می کوشد تا در کنار یاد دادن خواندن و نوشتن برای سواد آموزان، آنان را به مثابه یک سرمایه مفید به کشور و جامعه عرضه کند تا سواد آموزان پس از آموزش، برای رشد اقتصادی، توسعه و امنیت کشور کمک بکنند.

به گفته وی، سواد موثر برای تأمین ثبات، توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشور مهم است ولی حکومت و موسسات همکار در ۱۵ سال گذشته به اهمیت این مساله کمتر توجه کرده اند.

او یاد آور شد که تلاش می کند تا حمایت سیاسی قوی رهبران حکومت، نهادهای بین المللی همکار و وزارت معارف را برای برنامه سواد آموزی موثر در کشور جلب کند.

معین سواد آموزی وزارت معارف تصریح کرد، نصاب تعلیمی گذشته این نهاد، هدف مند و بر مبنای مشارکت ارتباطی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سواد آموزان ترتیب نشده بود و به همین دلیل موثریتی خوبی هم نداشت.

کتاب های جدید درسی سواد آموزی در طول یک سال (۲۰۱۶) به همکاری مالی سازمان جهانی یونسکو ترتیب و آماده چاپ شده اند.

دنیلو پدیلا رییس بخش تعلیم و تربیه یونسکو در افغانستان نیز گفت: «رونمایی از کتاب های جدید سواد آموزی به معنای آخر کار نیست بلکه آغاز یک سفر طولانی است؛ ما امیدواریم که با تطبیق آزمایشی این کتابها نتایج خوبی به دست آید».

آقای پدیلا افزود، توقع می رود با تدریس کتابهای جدید، سطح سواد آموزی در افغانستان بالا برود. هنوز بودجه چاپ و تکثیر این کتاب های جدید مشخص نشده است، اما آقای رحیمی ابراز امیدواری کرد که موسسات همکار به ویژه یونسکو در این بخش نیز همکاری کند.

بر اساس معلومات وزارت معارف هم اکنون حدود ۶۰ درصد از شهروندان افغانستان بی سواد اند و سالانه حدود ۳۰۰ هزار نفر هم به این آمار افزوده می شود. هم اکنون رشد سواد در کشور سالانه یک درصد خواننده می شود ولی دولت افغانستان تعهد دارد تا سال ۲۰۲۲ سطح سواد را در کشور به ۶۰ درصد برساند.

فیسبوک نامه

عبدالکبير ستوده



نقد یک درک نا استوار

مدت‌هاست که ما شاهد حملات بی‌رحمانه و مرگبار گروه‌های تندرو و بنیادگرا بر ادارات دولتی هستیم که این حملات بی‌رحمانه و مرگبار، تلفات جانی و خسارات مالی زیادی در پی داشته و خیلی از مردم ما را عزادار و دردمند ساخته است. در قبال چنین حملات وحشت‌ناک و خشونت‌بار، اکثر دوستان چیز فهم و چیز نافهم ما می‌گویند: این دولت یک دولت مزدور و ناکارآمد است، تمام یا اکثر کارکنان دولتی در فساد، اختلاس و بداخلاقی تا گلو غرق‌اند، بی‌عدالتی و حق‌تلقی در ادارات دولتی کاملاً ریخته دوانده است، قوانین زیر پا می‌شوند، شهروندان در عقب دروازه‌های ادارات دولتی سرگردان می‌گردند و کارشان به صورت درست و به زودی انجام نمی‌شود، مسوولان ادارات دولتی خود را خدمتگزار و خدمتگذار مردم نه، که خود را با دار و آقای مردم می‌دانند و...

این دوستان، چنین وضعیت ناگوار و نامطلوب ادارات و نهادهای دولتی را دلیل این حملات بی‌رحمانه می‌دانند و به همین دلیل/دلایل، چنین حملاتی را توجیه می‌کنند و این حملات را در واقع، تازیانه خداوند بر پشت و پهلوئی این دولت-ملت نابه‌کار و ناکارآمد تلقی می‌کنند. این درحالی است که خود گروه‌های بنیادگرا هم اعمال تروریستی خود را با چنین سخنانی توجیه می‌کنند و تصور می‌کنند کار درستی انجام می‌دهند.

اما چنین سخنان و چنین استدلالاتی اگر به درد عواطف کور آدمیان پیش پا بین بخورد و احساسات خام آنان را سیراب و ظرف کوچک خرد آنان را پُر کند، هرگز به درد عواطف انسانی و احساسات پخته و خرد نقد آدمیان بالغ نمی‌خورد. نمی‌گوییم که این دولت یک دولت خوب است و مشکلاتی از آن دست‌ها را ندارد و همه کارهای آن خوب و سر به راه است. نمی‌گوییم که این فساد پیشه‌گی‌ها و بی‌عدالتی و قانون‌شکنی‌ها و حق‌تلفی‌های مسوولان و کارکنان دولتی، مسایل و مشکلات کوچک و پیش پا افتاده‌یی است. نمی‌گوییم که مردم ما تمام این مسایل و مشکلات ادارات دولتی را نادیده بگیرند، با این همه بدبختی‌ها و بی‌عدالتی‌ها کنار بیایند، قناعت پیشه کنند، صبر کنند، چشم برهم بگذارند، دهن خود را بندند، چیزی نگویند، کاری نکنند، نقدی ننمایند و فشاری نیاورند. نمی‌گوییم که مردم ما با وجود این همه ناکارآمدی‌ها و ناکامی‌های ادارات دولتی، باز هم به آن‌ها اعتماد کنند و به اصلاح کار آن‌ها امید واهی ببرند و ساده‌لوحانه به آینده خوب کشور خود خوش‌بین باشند. نمی‌گوییم که مسوولان دولتی چنین حملات مرگباری را به عنوان هشدار مردمی و تنبه الهی و عذاب خداوندی و... تلقی نکنند و از کنار آن‌ها ساده‌انگارانه بگذرند و بی‌خیالی اختیار کنند. این‌ها را نمی‌گوییم. حرف من این است که تمام این ارزش‌شکنی‌ها، قانون‌شکنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، بی‌اعتنایی‌های ادارات دولتی و کارکنان این ادارات، برای هیچ‌کسی این حق را نمی‌دهد که دست به خیانت و جنایت دیگری بزند و وضع را خراب‌تر از این کنند و بر گره‌های کور معضلات این مردم گره‌های کور دیگری بزنند و سرمایه‌های انسانی و مالی یک ملت را برای ویران کردن و نابود کردن همان ملت بر باد بدهند و به هیچ نتیجه مطلوبی هم نرسند و به جز خرابی و بی‌خانمانی و بی‌خردی هیچ دست آوردی هم نداشته باشند. بی‌عدالتی هیچ‌کسی توجیه‌گر بی‌عدالتی‌های دیگران نیست و گناه هیچ‌کسی، توجیه‌گر گناهی بزرگتر از سوی کس دیگری نمی‌شود و بار گناه هیچ‌کسی را کس دیگری بر دوش نمی‌کشد. این‌ها همه از مصادیق ظلم و بی‌عدالتی است. علاوه بر این نکات، برای این بنیادگرایان چه کسی حق این همه لجام‌کسیخته‌گی را داده است؟ این‌ها حق این همه خودسری‌ها را از کجا گرفته‌اند؟ چه کسی آن‌ها را نماینده دین خدا و مرجع معرفت‌دینی و ارزش‌های انسانی تعیین کرده است؟ یک مشت افراد هرزه و بی‌هویت، چه حق دارند که سرنوشت یک ملت را تعیین کنند؟ یک مشت آدم‌هایی که به سر و وضع خود نمی‌رسند، کی حق داده است که به سر و وضع دین و دولت یک ملت برسند؟

یکی از تلخ‌ترین طنزهای جهان اسلام این است که بی‌هویتان برای امت بزرگ اسلامی هویت تعریف و تعیین می‌کنند، مزدوران و غلامان برای امت اسلامی آزادی رقم می‌زنند، قاتلان بر پیکر نیمه جان فرهنگ و تمدن یک امت عظیم آب حیات تزریق می‌کنند، جاهلان و تهی‌مغزان، لاف معرفت ناب دینی می‌زنند، ویران‌گران و خرابکاران بر ویرانه و مخروبه‌هایی که محصول تبهکاری‌های خود آنان می‌باشد، استاد شده و ندای سازنده‌گی و بازسازی سر داده‌اند، جنگجویان بی‌هدف نعره صلح و امنیت بلند کرده‌اند، فاسدان بر فاسدان می‌شورند، جنایت‌کاران بر جنایت‌کاران خشم می‌گیرند، و...

مگر چنین نیست که در این مملکت تمام فاسدان امروزی روزی شعار اصلاحات و اصلاح‌گری سر داده بودند؟ چه تضمینی وجود دارد که خون‌خواران دور از قدرت امروزی، روزی به قدرت برسند و دستگاه استبداد و تقشیش عقاید بنا نکنند و خون نخورند و خون نریزند؟ از این همه مقدمات غلط، چه کسی به نتایج درست رسیده است که این بنیادگرایان می‌خواهند برسند؟ از این شجره خبیثه استبداد، چه کسی میوه‌های شیرین و گوارا گرفته است که این تندوران خون‌خوار حوس آن کرده‌اند؟

شرم بادت زانکه داری ای دغل سنگ استنجای شیطان در بغل مولوی

نگرانی از عملیات پولیس امریکا برای بازداشت مهاجران غیرقانونی

مأموران مهاجرت و گمرک امریکا، صدها تن را در نقاط مختلف این کشور به ظن غیرقانونی بودن حضور آنان در ایالات متحده بازداشت کردند. هم‌زمان گروه‌های حقوق بشری از این رشته عملیات‌های جدید پولیس برای جمع‌آوری مهاجران غیرقانونی ابراز نگرانی کرده‌اند. رسانه‌های امریکا به تازه‌گی از بازداشت دست‌کم ۳۰۰ نفر در نقاط مختلف این کشور خبر دادند که طی یورش‌های متعدد مأموران پولیس و مأموران گمرک و مرزبانی در چند روز گذشته به ظن غیرقانونی بودن حضور آنان در ایالات متحده صورت گرفته است. خبرگزاری آسوشیتدپرس از لاس‌آنجلس خبر داده که بخش مهمی از این عملیات‌ها در جنوب کالیفرنیا صورت گرفته، اما گزارش‌های متعددی از عملیات‌های مشابهی در شهرهای آستین (تگزاس)، شیکاگو، آتلانتا و نیویورک مخابره شده است. شبکه خبری سی‌ان‌ان، که بخش مهمی از اخبار و تحلیل‌های روز شنبه خود را به این خبر اختصاص داده است، تعداد بازداشت‌شده‌گان طی یک هفته گذشته را ۳۶۰ تن اعلام کرده و گزارش کرده که این موج جدید عملیات جمع‌آوری مهاجران غیرقانونی، نگرانی عمیقی در میان جامعه مهاجران در امریکا به وجود آورده است. درحالی‌که تحلیل‌گران منتقد دولت، چنین اقدامی را پیش‌زمینه‌یی برای عملی کردن وعده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری، برای مقابله با مهاجران غیرقانونی ارزیابی می‌کنند، اما حامیان دولت آن را در ادامه اقدامات پولیس و مأموران گمرک و مرزبانی می‌دانند که در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما هم جریان داشته است.

همزمان، دایره اجرایی مهاجرت و گمرک امریکا که یکی از نهادهای فدرال در وزارت امنیت داخلی این کشور است، اعلام کرده این رشته عملیات‌ها بخشی از اقدامات معمول این ضابطان اجرایی است. دیوید مارین، رئیس دایره اجرایی مهاجرت و گمرک در کالیفرنیا گفته طی یورش‌های چند روز گذشته ۱۶۰ تن بازداشت شده‌اند. به گفته این مقام محلی، ۷۵ درصد از بازداشت‌شده‌گان دارای محکومیت‌های قضایی بوده‌اند و برخی دیگر از بازداشت‌شده‌گان هم تنها به علت نداشتن مدارکی که از حضور قانونی آنان در امریکا حکایت داشته باشد، دستگیر شده‌اند. در این حال، گروه‌های حقوق بشری آغاز رشته یورش‌های جدید پولیس مهاجرت و گمرک برای جمع‌آوری مهاجران غیرقانونی را گامی در جهت عملی کردن سخنان آقای ترامپ در روز ۲۵ جنوری گذشته می‌دانند. رئیس‌جمهوری جدید امریکا تنها پنج روز بعد از ورود به کاخ سفید، در ۲۵ جنوری گذشته، تأکید کرده بود که اخراج مهاجران غیرقانونی که سابقه کیفری و جنایی دارند، یکی از اولیتهای مهم دولت نوپای او خواهد بود. اخراج حدود ۱۱ میلیون مهاجر غیرقانونی از خاک امریکا یکی از وعده‌های اصلی آقای ترامپ در دوران انتخابات سال گذشته بود. او همچنین کشیدن دیوار میان مرزهای امریکا و مکزیک را یکی از راهکارهای اصلی خود برای مواجهه با ورود غیرقانونی مهاجرانی اعلام کرده بود و تنها چند روز بعد از به دست گرفتن قدرت، فرمانی برای احداث این دیوار صادر کرد.

ناتو روسیه را به افزایش انتشار اطلاعات و اخبار نادرست متهم کرد

سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)، روسیه را متهم کرده است که از زمان الحاق کریمه به خاک خود در سال ۲۰۱۴ میلادی، انتشار اطلاعات و اخبار نادرست را تشدید کرده است. سخنگوی ناتو روز شنبه ضمن متهم کردن روسیه به تشدید کارزار انتشار اطلاعات و اخبار نادرست، اعلام کرد: وبسایت‌های روسی مثل اسپوتنیک و راشاتودی، اخبار و اطلاعات نادرستی را منتشر می‌کنند.

سخنگوی ناتو در ادامه تأکید کرد: ناتو با افزایش چشم‌گیر تبلیغات روسیه و انتشار اطلاعات و اخبار نادرست از زمان الحاق خاک کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ میلادی روبه‌رو شده است. مقامات اتحادیه اروپا و ناتو به شدت نگران توانایی روسیه برای استفاده از تلویزیون و اینترنت برای انتشار و گسترش چیزی هستند که آنان اخبار و اطلاعات جعلی و نادرست ارزیابی می‌کنند.

ناتو ادعا کرده است که طی دو سال گذشته حجم گسترده‌یی از دروغ‌های منتشر شده در رسانه‌های خبری روسیه را جمع‌آوری کرده است.

سخنگوی ناتو در ادامه اظهار داشت: وبسایتی که از سوی ناتو در سال ۲۰۱۴ میلادی راه‌اندازی شده، بیش از ۳۲ دروغ روسیه درباره ناتو را که از سوی اسپوتنیک، راشاتودی و سایر رسانه‌های خبری مورد حمایت دولت روسیه منتشر شده، جمع‌آوری و ضبط کرده است.

او افزود: تازه‌ترین مورد از دروغ‌پراکنی رسانه‌های خبری روسیه مربوط به ماه جاری است که وبسایت "لایف" روسیه صدای ضبط شده مکالمه تلفنی جعلی دبیر کل ناتو با رئیس‌جمهور اوکراین را منتشر کرده است. چنین مکالمه تلفنی اصلاً انجام نشده و این نشانه دیگری از انتشار اطلاعات و اخبار نادرست توسط رسانه‌های روسی است. مقامات روسی پیش از این تلاش برای دخالت در امور داخلی سایر کشورها را رد کرده‌اند.

فهرست جدید بازیکنان تیم ملی فوتبال کشور



فدراسیون فوتبال افغانستان اسامی ۳۸ بازیکن جدید فوتبال کشور برای شرکت در اردوی تیم ملی فوتبال این کشور را اعلام کرد. فدراسیون فوتبال افغانستان اسامی ۳۸ بازیکن که در آن چند چهره جدید نیز دیده می‌شود، برای شرکت در اردوی تیم ملی فوتبال افغانستان پیش از مسابقه با ویتنام را اعلام کرده است. در این فهرست نام جبار شرزه فوتبالیست لیگ ۲ دانمارک نیز مشاهده می‌شود که برای اولین بار به اردوی تیم ملی دعوت شده است. میلاد انتظار، فیصل سخنی‌زاده و شریف محمد نیز مجدداً به اردوی تیم ملی دعوت شدند. نور حسین، بازیکن لیگ ۲ انگلیس و تیم آرتینگتون نیز از چهره‌های جدید تیم ملی است. بنیامین نجم هم که در تیم دوم سن پائولا که در لیگ شمالی بوندسلیگای ۴ آلمان توپ می‌زند، نیز در این لیست قرار گرفته است. رضالله یاری، فرزاد عطایی و حسین علی‌زاده نیز از تیم‌های فوتبال شاهین آسمایی و طوفان هریرو به این اردو دعوت شدند. اسامی این بازیکنان به شرح زیر است:

اویس عزیززی، حمیدالله وکیل، ایمل گریوال، کاووش حیدری، سید محمد هاشمی، امرالدین شریفی، فردین حکیمی، فیض محمد فیضی، قسمت احمدی، زبیر امیری، مسیح سیغانی، امید پولیزی، روح‌الله اقبال‌زاده، اباسین علی‌خیل، فیصل شایسته، یوسف شیردل، کشکا طاهر، مصطفی زازی، نورالله امیری، ارش هاتفی، میلاد انتظار، خیبر امانی، حسن امین، مجیب جمالی، منان فراهی، میلاد سالم، فیصل سخنی‌زاده، فرشاد نور، نور حسین، بنیامین نجم، شریف محمد، مصطفی حدید، مصطفی آزادزوی، جبار شرزه، مازیار کوهیار، رضالله یاری، فرزاد عطایی و حسین علی‌زاده از جمله بازیکنان دعوت شده برای شرکت در اردوی تیم ملی افغانستان هستند. قرار است تیم ملی فوتبال کشور افغانستان ماه آینده در یکی از کشورها که احتمالاً قطر باشد، بازی تدارکاتی و دیدار دوستانه برگزار کند.

چهار ورزش کار در کاپیسا کشته شدند



مسوولان امنیتی ولایت کاپیسا می‌گویند که بر اثر خصومت‌های شخصی و گلوله‌باری از سوی طرفداران یکی از تیم‌های والیبال، چهار بازیکن جان باخته و یک تن دیگر زخمی شده است.

محمد ایوب یوسفزی، سخنگوی فرماندهی پولیس کاپیسا گفته است که عامل تیراندازی این رویداد از محل موفق به فرار شده‌اند.

آقای یوسفزی افزوده که تلاش‌های پولیس برای شناسایی و بازداشت عاملان رویداد یاد شده جریان دارد. این رویداد عصر روز گذشته هنگام بازی والیبال در منطقه موسوم به میره‌خیل ولسوالی تگاب رخ داده است. در جریان بازی، میان دو طرف مناظره رخ می‌دهد که طرفداران یک تیم بر بازیکنان تیم رقیب تیراندازی می‌کنند.

گفته می‌شود که در منطقه‌یی که این رویداد رخ داده، افراد وابسته به گروه طالبان حضور فعال دارند.

# Mandegar

## مربی نامدار آلمانی سر مربی تیم ملی فوتبال افغانستان شد



اوتو فیستر آلمانی با گرفتن قرار دادی یک ساله رسماً هدایت تیم ملی فوتبال افغانستان را بر عهده گرفت.

این مربی نامدار آلمانی که تجربه زیادی در عرصه مربی‌گری تیم‌های ملی دارد، صبح دیروز و در جریان یک نشست خبری در فدراسیون فوتبال افغانستان جانشین پیتر شگرت شد، مربی قبلی این تیم شد.

فدراسیون فوتبال افغانستان، هدف از استخدام این مربی ۷۹ ساله را تجربه زیاد وی در عرصه مربی‌گری تیم‌های ملی یاد کرده است. او نزدیک به نیم قرن سابقه مربی‌گری در رده‌های ملی و باشگاهی دارد. او قاره آفریقا در تیم های ملی کامرون رواندا، بورکینافاسو، سنگال، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، توگو، ترینیداد و توباگو و غنا مربی‌گری کرده است.

اوتو فیستر سومین سرمربی خارجی تیم ملی فوتبال افغانستان است که در طی دو سال اخیر این مسئولیت را به عهده می‌گیرد.

او همچنین در رده باشگاهی نیز با تیم‌های باشگاهی تونس، مصر، سودان، الجزایر و لبنان به مربی‌گری پرداخته است و افتخاراتی نیز کسب کرده است.

فدراسیون فوتبال افغانستان همچنان در نشست خبری امروزش، دستیاران اوتو فیستر را نیز معرفی کرد.

بر این اساس انوش دستگیر بازیکن سابق

تیم ملی فوتبال افغانستان که دارای مدرک مربی‌گری درجه B یوفا است به عنوان دستیار فیستر و کمک مربی تیم ملی فوتبال افغانستان انتخاب شد.

منصور فقیریار، دروازه بان خوش نام و سابق تیم ملی که به دلیل مصدومیت از فوتبال خداحافظی کرده بود به عنوان مربی دروازه بان‌های تیم ملی معرفی شد.

مصطفی مهرزاد سرپرست سابق تیم ملی نیز به عنوان هماهنگ کننده جدید تیم ملی فوتبال افغانستان معرفی شد.

و در نهایت علی عسکر لعلی، مدرس بین

المللی و کمک مربی سابق تیم ملی نیز به عنوان رییس عمومی و سرپرست تیم ملی فوتبال افغانستان معرفی شده است.

اوتو فیستر در حالی هدایت تیم ملی افغانستان را بر عهده می‌گیرد که این تیم در مرحله نهایی مقدماتی جام ملت‌های آسیا با تیم‌های اردن، ویتنام و کامبوج هم گروه شده است.

نخستین دیدار این تیم در تاریخ ۸ حمل مطابق با ۲۸ مارچ در شهر دوشنبه تاجیکستان در مقابل ویتنام برگزار خواهد شد.

## بارق شفیع در گذشت



محمدحسن شفیع، معروف به بارق شفیع، روزنامه‌نگار، شاعر و فعال سیاسی افغانستان روز شنبه در سن ۸۵ سالگی درگذشت.

آقای شفیع در تاریخ یکم فروردین ماه سال ۱۳۱۰ در شهر کابل به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل است. شفیع را می‌توان جز شاعران سیاست‌مدار به شمار آورد که دارای مسئولیت‌های سیاسی‌یی در ساختار حکومت نیز بوده است، از جمله وزیر اطلاعات و فرهنگ و مستشار افغانستان در شوروی سابق.

حسن شفیع از بنیان‌گذاران و مشوقان اصلی شعر نو در افغانستان به شمار می‌رود. کتاب «ستاک» نخستین مجموعه شعر نو فارسی افغانستان از دست نبشته‌های اوست که در سال ۱۳۴۲ منتشر شد.

از این شاعر و روزنامه‌نگار آثار دیگری چون شهر حماسه، دوران‌ساز و شیپور انقلاب نیز به جا مانده است.

## یک زن جوان

## در هرات خودکشی کرد



مسولان محلی در ولایت هرات از خودکشی یک خانم در این ولایت خبر داده است.

محمد رفیق شیرزی سخنگوی شفاخانه حوزه‌یی هرات به رسانه‌ها گفته است که انیسه گل ۲۱ ساله، ناوقت روز شنبه در مربوطات حوزه هشتم شهر هرات با شلیک گلوله دست به خودکشی زده است.

مسولان گفته اند که جسد این خانم به بیمارستان منتقل شده و تا کنون علت این خودکشی روشن نشده است.

پولیس هرات اعلام کرده است که در باره علت این رویداد تحقیقات را آغاز کرده است.

ولایت هرات از ولایت‌های است که گراف خودکشی و خشونت علیه زنان در آن بسیار بالاست و براساس آمارهای ارائه شده از سوی مسولان شفاخانه حوزه‌یی این ولایت در سال جاری حداقل ۳۵ مورد خودکشی زنان در این ولایت ثبت شده است.

## پاکستان:

## ۴۰ درصد مبادلات جهانی از طریق اقیانوس هند صورت می‌گیرد



مشاور امور خارجه نخست‌وزیر پاکستان می‌گوید، گسترش فعالیت‌های هسته‌ای و تسلیحاتی در اقیانوس هند تهدیدی مرگبار برای صلح و امنیت منطقه است.

سرتاج عزیز، مشاور امور خارجه نخست‌وزیر پاکستان در جریان کنفرانس سه روزه دریانوردی بین‌المللی در این باره توضیح داد: در حال حاضر ۳۰ کشور از طریق اقیانوس هند با یکدیگر در ارتباطند؛ اقیانوسی که ارتباط میان خاورمیانه، آفریقا و استرالیا را با اروپا ممکن کرده است.

عزیز ادامه داد: ۴۰ درصد مبادلات جهانی از طریق اقیانوس هند صورت می‌گیرد و پاکستان سهمی استراتژیک در گشت زنی‌های صلح آمیز در این اقیانوس دارد چراکه طی سال‌های اخیر بندر گوادر خود را توسعه داده و کریدور اقتصادی چین و پاکستان را راه اندازی کرده است.

وی در ادامه بر ضرورت تبدیل شدن اقیانوس هند به "منطقه صلح و رفاه" تاکید و خاطر نشان کرد: این امر به نفع تمام منطقه خواهد بود.

این سیاستمدار کهنه کار پاکستانی همچنین هشدار داد که هرگونه رقابت در این اقیانوس تنها روند توسعه در منطقه را کند خواهد کرد.

عزیز در بخش دیگری از اظهاراتش عنوان کرد: تمامی کشورهای منطقه نقش مهمی در توسعه پایدار و مشترک دارند و مبادلات تنها در صورتی از طریق این منطقه گسترش می‌یابد که امنیت

در آن حاکم باشد.

وی بار دیگر بر اهمیت استفاده بدون اختلال تمامی کشورها از وضعیت موجود تاکید و اظهار کرد: محیط زیست دریایی بخش اساسی زندگی جهانی است و حمایت از سیستم و سرمایه گذاری در این اکوسیستم دریایی می‌تواند به همه کشورها در مدیریت اقیانوس کمک کند. عزیز همچنین به سرمایه گذاران بین‌المللی و محلی نسبت به حمایت دولت پاکستان از آنها برای توسعه بخش دریایی تضمین داد.

پیش از این سخنرانی فرمانده نیروی دریایی پاکستان بر ضرورت ایجاد نیروهای ویژه برای

برقراری امنیت در کریدور اقتصادی چین و پاکستان و بندر گوادر تاکید کرده.

وی در این باره توضیح داد: کریدور تأثیری پایدار بر فعالیت‌های دریایی منطقه‌ای و بهبود چشمگیر اهمیت اقتصادی اقیانوس هند خواهد داشت.

کنفرانس دریانوردی بین‌المللی یکی از مهمترین رویدادهای چندملیتی در این زمینه است که در حال حاضر در نزدیکی بندر کراچی پاکستان در حال برگزاری است.